

۵۵ - ای متشبت بذیل اطهر

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۵۵ - ای متشبت بذیل اطهر

ای متشبت بذیل اطهر، فرع سدره مبارکه، در جهان و جهانیان بدیده بینا نظر نما که تماشاگاه عظیم است. افواج نفوس بینی که در میدان سود و زیان دوانند و امواج بحر جنون بینی که از کلّ جهات ظاهر و عیان نعره ها بلند و ضوضاء و شورش و غوغاء واصل بسمع هر هوشمند نزاع و جدال بین هر توانگر و مستمند و جنگ بسیف و سنان و تیر و کمان بین هر حقیر و ارجمند افواج جنود از هر جهت صف حرب آراسته و آلات آتش فشان از هر سمت سمت ترتیب یافته سیوف بغضاء از مسافه بعیده شعشعه لامعه اش پدیدار و سهام شخفاء حدت و برق ساطعش در شب یلدا خیره بخش چشمها. مقصد اینست که اسباب نزاع و جدال و جنگ و کفاح باتمّ وجوه مهیّا و حاضر. و از جهتی ملاحظه مینمائی که از هر کران آواز ساز و نواز است و نغمه چنگ و چغانه و ارغنون و ترانه و طرب و سرور و فرح و حبور است. و از سمتی نظر کنی که نمایش آرایش و آرایش و زر و زیور اهل آفرینش و زینت و رونق زخارف و حطام و لطافت شئون فانیه خاک و رغام است. و از طرفی مینگری فریاد آه و این و ناله و حنین است فزع و شدت فغانست که واصل باسمانست و نجیب بکا و ضجیح مبتلا و صریخ بی نوا و عویل غریق بحر بلاست. و از سمتی احتراق فراق و اشتعال نار اشتیاق و زبانه آتش اشواق است. و از جهتی بنگری که جوش و خروش ملوک و وزرای بیهوش و دمدمه و معرکه افکار و اذکار سروران مدهوش و شوق و شور و تدبیر و تغییر و تدمیر و تعمیر و تشهیر و تشویر رؤسای ممالک و دیار است. خلاصه چون بحقیقت و عاقبت و نتیجه و ثمر جمیع معرکه ها پی بری بعین یقین مشاهده کنی سراب بقیع است و شهدش سمّ نقیع. ایامی نگذرد مگر آنکه جمیع این شئون کائنات لم یکن گردد و فانی و غیر موجود. و لکن چون چشم از این جهان تاریک پیوشی و نظر ببالا و عالم اعلیٰ فکنی همه انوار بینی، باقی و برقرار بینی، جاوید و پایدار بینی، حقیقت اسرار بینی. پس خوشا جان پاکی که باین آلودگی و آسودگی جهان فانی دل نبسته بلکه پیاکی و آزادگی و بزرگواری جهان باقی تعلق گرفته.



ORIGINAL



AUDIO

